

موعظه در روز شکرگزاری محصول (Erntedank)

۲۰۲۶ در براونشوایگ و گیفهورن

فیض و سلامتی از سوی خدا، پدر ما، و از سوی خداوند عیسی مسیح بر شما باد. آمین.

کلام خدا برای این موعظه در انجیل مرقس، فصل هشتم قرار دارد (مرقس ۸: ۹-۱):

«در آن روزها، چون جمعیت بسیاری گرد آمده بودند و چیزی برای خوردن نداشتند، عیسی شاگردان خود را نزد خویش فراخواند و به آنان گفت: «دلم به حال این مردم می‌سوزد، زیرا اکنون سه روز است که نزد من مانده‌اند و چیزی برای خوردن ندارند. و اگر آنان را گرسنه به خانه‌هایشان روانه کنم، در راه از پا خواهند افتاد؛ زیرا برخی از آنان از راهی دور آمده‌اند.» شاگردانش به او پاسخ دادند: «در این بیابان از کجا می‌توان نان آورد تا این مردم را سیر کنیم؟» عیسی از آنان پرسید: «چند نان دارید؟» گفتند: «هفت نان.» آنگاه به مردم فرمان داد که بر زمین بنشینند. سپس آن هفت نان را گرفت، شکرگزاری کرد، آنها را پاره کرد و به شاگردان خود داد تا میان مردم تقسیم کنند؛ و آنان نان‌ها را میان مردم تقسیم کردند.

چند ماهی نیز داشتند. عیسی بر آنها برکت گفت و فرمان داد آنها را نیز تقسیم کنند. مردم خوردند و سیر شدند. سپس شاگردان خرده‌های باقی‌مانده را جمع کردند و هفت سبد پر از آنها گرد آوردند. تعداد آنان حدود چهار هزار نفر بود. سپس عیسی آنان را مرخص کرد.

دعا می‌کنیم: «خداوندا، ما را در حقیقت تقدیس کن؛ کلام تو حقیقت است.» آمین.

برادران و خواهران عزیز، که به‌واسطه نان حیات رهایی یافته‌اید،

۱. وعده‌های غذایی در سراسر زندگی ما حضور دارند. ما می‌توانیم زندگی خود را بر اساس وعده‌های غذایی روایت کنیم: وقتی برای نخستین بار از سینه مادر شیر خوردیم.

وقتی برای نخستین بار به ما غذای پوره شده دادند.

اولین گاز زدن به یک سیب با دندان‌های پیشینمان.

وعده غذایی در نخستین جشن تولد کودکی‌مان.

وعده‌های غذایی در جشن‌های تعمید یا تأیید ایمانمان (کُنفیر ماسیون).

هر سال دوباره غذای ویژه‌ای که در کریسمس، سال نو و نوروز می‌خوریم.

صبحانه‌های عید پاک.

و البته غذای بسیار خوشمزه و ویژه‌ای که در مراسم عروسی می‌خوریم.

وعده‌های غذایی شادمانه پس از موفقیت در امتحانات.

یا برعکس، غذاهای ساده و اندکی که وقتی بیمار بودیم می‌خوردیم.

غذایی که معده‌مان را به هم ریخت نیز چیزی نیست که به این زودی فراموش کنیم.

می‌توانم همین‌طور ادامه بدهم. شما هم حتماً می‌توانید.

تا برسیم به دورهمی‌های صرف قهوه در جمع سالمندان یا در خانه سالمندان.

و حتی تا برسیم به غذای پس از مراسم خاکسپاری، زمانی که خودمان زیر خاک آرمیده‌ایم.

ما می‌توانیم زندگی خود را بر اساس وعده‌های غذایی روایت کنیم.

خداوند روزبه‌روز ما را تأمین می‌کند. بسته به اینکه چقدر زندگی کنیم، در پایان نه فقط به چهار هزار، بلکه به چندین ده هزار وعده غذایی می‌رسیم که خورده‌ایم. وعده‌های غذایی سراسر زندگی ما را دربر گرفته‌اند.

۲. وعده‌های غذایی زندگی عیسی را نیز دربر گرفته‌اند. در اینجا بخشی از این حقیقت را می‌بینیم که خداوند، هنگامی که انسان می‌شود، این کار را به‌طور کامل و جدی انجام می‌دهد. بسیاری از امور در زندگی او نیز تقریباً همان‌گونه پیش رفت که در زندگی هر یک از ما.

وقتی برای نخستین بار از سینه مادر شیر خورد.

وقتی برای نخستین بار به او غذای پور شده دادند.

اولین گاز زدن به یک سیب یا انجیر با دندان‌های پیشینش.

وعده‌های غذایی عید پسخ، سال به سال، در کنار پدر و مادر و خواهر و برادرانش و بعدها در کنار شاگردانش.

جشن عروسی در قانا، هنگامی که او شراب فراوان فراهم کرد و نخستین معجزه خود را انجام داد.

وعده‌های غذایی بحث‌برانگیزی که با خراج‌گیران و گناهکاران داشت؛ با لاوی و زکائوس.

در خانه فریسی‌ای به نام شمعون، هنگامی که زنی پاهای عیسی را با روغن معطر تدهین کرد و عیسی ایمان و محبت او را برجسته ساخت. و سپس، البته، آن وعده غذایی فراموش‌نشده‌ی پیش از مرگ؛ اگر بخواهیم این‌گونه بگوییم، آخرین غذای او پیش از اعدام. این همان فرو بردن مشترک نان در غذا با یهودای اسخریوطی، خائن، بود. و سرانجام برکت دادن بر نان و شراب و آن سخنان فراموش‌نشده‌ی: «این است بدن من. این است خون من که برای شما ریخته می‌شود.»

سپس، پس از رستخیز، عیسی چندین بار در کنار شاگردانش نان و ماهی می‌خورد؛ همچنین برای اینکه نشان دهد واقعاً خود اوست و همچنان بدنی انسانی، هرچند دگرگون‌شده، اما واقعی دارد. می‌توانم همین‌طور ادامه بدهم. اما طبیعتاً نباید آن اطعام‌های بزرگ چندین هزار نفری را نیز فراموش کنیم. بسیاری از وعده‌های غذایی او شبیه وعده‌های غذایی ما بودند. خداوند نیز او را از نظر طبیعت انسانی‌اش، روزبه‌روز تأمین می‌کرد. و با این حال، در ماجرای اطعام جمعیت‌ها یا حتی در عروسی قانا، این حقیقت آشکار می‌شود که خود عیسی تأمین‌کننده و روزی‌رسان است.

وعده‌های غذایی زندگی عیسی را نیز دربر گرفته‌اند.

۳. اکنون بیایید این وعده غذایی ویژه را در زندگی عیسی و در زندگی بیش از چهار هزار نفر دیگر بررسی کنیم.

نکته جالب این است که ماجرای اطعام پنج هزار نفر را نیز داریم که مرقس در فصل ششم درباره آن گزارش می‌دهد.

اگر این دو رویداد را با یکدیگر مقایسه کنیم، شباهت‌های بسیاری می‌بینیم، اما در عین حال تفاوت‌های مهمی نیز وجود دارد. ابتدا یک شباهت:

در ماجرای اطعام چهار هزار نفر آمده است: «دلم به حال این مردم می‌سوزد، زیرا اکنون سه روز است که نزد من مانده‌اند و چیزی برای خوردن ندارند. و اگر آنان را گرسنه به خانه‌هایشان روانه کنم، در راه از پا خواهند افتاد؛ زیرا برخی از آنان از راهی دور آمده‌اند.» (مرقس ۸: ۲-۳)

«دلم به حال این مردم می‌سوزد» — به همین دلیل است که عیسی این جمعیت بزرگ را اطعام می‌کند. همچنین در ماجرای اطعام پنج هزار نفر می‌خوانیم:

«و چون عیسی [از قایق] بیرون آمد، جمعیت بسیاری را دید؛ و دلش به حال آنان سوخت، زیرا مانند گوسفندانی بودند که شبانی ندارند. پس شروع کرد به تعلیم دادن و موعظه‌ای طولانی.» (مرقس ۶: ۳۴)

عیسی نه تنها جسم را با نان و ماهی تأمین می‌کند، بلکه روح را نیز با کلام خدا، یعنی با نان حیات، تغذیه می‌کند. البته این موضوع در اینجا فقط به‌طور گذرا مطرح شد. آنچه باید برجسته شود این است: در اینجا نیز دل عیسی برای مردم می‌سوزد. او نسبت به آنان رحمت دارد. نیاز و درماندگی آنان را می‌بیند و این نیاز به دل او راه می‌یابد.

هر دو ماجرای اطعام، رحمت عظیم و بی‌حدوحصر خدا را در عیسی مسیح به ما نشان می‌دهند. نکته بعدی:

با اینکه در هر دو مورد با جمعیتی عظیم روبه‌رو هستیم، هر دو بار همه سیر شدند. خدا برای تکتک افراد به اندازه کافی عطا می‌کند؛ آن‌قدر که حتی فزونی و اضافه نیز باقی می‌ماند. در پایانِ اطعام چهار هزار نفر، هفت سبد جمع‌آوری شد و در اطعام پنج هزار نفر حتی دوازده سبد. در اینجا با تفاوت جالبی روبه‌رو هستیم. و در واقع، نه تنها این اعداد، بلکه نشانه‌های دیگری نیز در متن‌ها به ما نشان می‌دهند که با وجود همه شباهت‌ها، این دو گروه، گروه‌های انسانی کاملاً متفاوتی بودند.

در ماجرای اطعام پنج هزار نفر، عیسی در سرزمین یهودیان بود؛ اما در ماجرای اطعام چهار هزار نفر، در سرزمین غیر یهودیان.

عیسی پنج هزار یهودی و چهار هزار غیر یهودی را اطعام کرد تا نشان دهد: «من برای همه انسان‌ها به اندازه کافی دارم؛ برای یهودیان و غیر یهودیان، برای بزرگ و کوچک، برای گناهکار و عادل، برای زنان و مردان، برای کودکان و بزرگسالان.» در واقع، حتی واژه‌ای که برای «سبد» در این دو گزارش در متن اصلی به کار رفته، متفاوت است.

یک نوع سبد، سبدی معمول در میان یهودیان بود و نوع دیگر، سبدی معمول در میان رومیان. غیریهودیان از سبد رومی استفاده می‌کردند و در آن، باورکردنی نیست، اما تا ۵۰ قرص نان جا می‌گرفت. بنابراین، عیسی از هفت نان، برای این جمعیت به اندازه کافی غذا فراهم کرد، به‌علاوه ۳۵۰ قرص نان دیگر.

اعداد نیز تصادفی نیستند: دوازده سبد در اطعام پنج هزار یهودی، نماد دوازده قبیله اسرائیل هستند و هفت سبد در اطعام چهار هزار غیر یهودی، نماد کمال و فراوانی است. اینجا نیز بار دیگر به این حقیقت اشاره می‌شود:

عیسی نجات‌دهنده تمام جهان و رهایی‌بخش همه قوم‌هاست. عیسی همه را می‌بخشد و سیر می‌کند.

۴. این انجیلِ اطعام و سیر کردن، برای همه است؛ بنابراین برای تو نیز هست، ای مسیحی عزیز. هیچیک از ما نمی‌تواند از این واقعیت بگریزد که بارها و بارها گرسنه می‌شویم و دوباره به یک وعده غذایی تازه نیاز پیدا می‌کنیم. رنج و گرسنگی در دیگر نقاط جهان باید به ما یادآوری کند که داشتن این همه نعمت بر سر سفره‌هایمان، روزبه‌روز و به این فراوانی، امری

بدیهی و تضمین شده نیست. گرسنگی در جاهای دیگر، و همچنین صدای شکم گرسنه خودمان، باید به ما یادآوری کند که ما نیازمندیم و نیازمند باقی خواهیم ماند؛ اینکه به عطایای خدا نیاز داریم. این گرسنگی ها همچنین به ما یادآوری می کنند که ما گرسنگی عمیق تری برای زندگی داریم؛ اینکه حتی نیازهای دیگر ما، مانند نیاز به صمیمیت، باهم بودن، محبت و معنای زندگی، تنها به طور حقیقی توسط خداوند برآورده می شوند.

ماجرای اطعام جمعیت ها به ما نشان می دهد: عیسی نه تنها بر آن بیش از نه هزار نفری که در آن زمان حضور داشتند، بلکه بر تو نیز رحم می کند. او از گرفتاری و نیاز تو متأثر می شود. او نیاز تو و نیاز عزیزانت را می بیند و این نیاز به دل او راه می یابد. عیسی مسیح رحمت بی اندازه خود را نسبت به تو آنگاه آشکار کرد که از همه چیز چشم پوشید، حتی از زندگی خود، و به خاطر تو بر صلیب مرد. او رحمت عظیم خود را همچنین آنگاه نشان داد که در آخرین وعده غذایی پیش از اعدام، به تو اندیشید و عشای ربانی را برقرار کرد تا تو را با آمرزش گناهان، با زندگی و با سعادت جاودان، غنی و برخوردار سازد.

ماجرای اطعام جمعیت ها به ما نشان می دهد:

عیسی برای تکتک ما به اندازه کافی دارد.

ما تشنه و گرسنه صلح، عدالت، صداقت و حقیقت هستیم.

ما در کشور خودمان و در کشورهای دیگر، که بسیاری از ما از آنها آمده ایم، نیازها و گرفتاری های بی شماری می بینیم.

و درست در میان این نیاز و درماندگی عظیم، عیسی می خواهد از طریق ماجرای اطعام چهار هزار نفر به تو یادآوری کند:

«من برای تو به اندازه کافی دارم. من می دانم تو به چه چیزی نیاز داری. به من وفادار بمان و همچنان به من تکیه کن.»

آری، عیسی برای تو به اندازه کافی دارد.

او به تو می گوید:

«من نان حیات هستم. هر که نزد من آید، گرسنه نخواهد شد؛ و هر که به من ایمان آورد، هرگز تشنه نخواهد شد.»
(یوحنا ۶: ۳۵)

ما مسیحیان نیز گرسنگی و تشنگی را تجربه می کنیم؛ نه فقط گرسنگی و تشنگی برای غذا و نوشیدنی، بلکه برای بسیاری چیزهای دیگر که به آنها امید داریم و آرزویشان می کنیم.

حتی آن چهار هزار نفری که در آن زمان سیر شدند، سرانجام دوباره گرسنه شدند.

اما ما وعده عیسی را داریم که او نخواهد گذاشت از گرسنگی و تشنگی هلاک شویم.

وعده او به تو، با وجود تمام سختی ها و حتی در میان همه سختی ها، همچنان پابرجاست:

«من نان حیات هستم.» برای تو.

۵. به پایان سخن خود می رسیم.

وعده های غذایی سراسر زندگی ما را دربر گرفته اند.

وعده های غذایی سراسر زندگی عیسی را نیز دربر گرفته بودند.

عیسی نیز از همان ابتدا پیش از هر وعده غذایی سفره می خواند. این در آن زمان رسم یهودیان بود.

آری، هر وعده غذایی را می‌توان به نوعی یک عبادت کوچک دانست؛ عبادتی که در آن خداوند انسان‌ها را با غذا و روزی خود برکت می‌دهد و انسان‌ها نیز از خداوند سپاسگزاری می‌کنند.

بیاپید ما نیز در هر وعده غذایی از خداوند سپاسگزاری کنیم.

اگر چنین کنیم، دیگر تنها وعده‌های غذایی نیستند که سراسر زندگی ما را دربر می‌گیرند، بلکه سپاسگزاری نیز سراسر زندگی ما را دربر خواهد گرفت.

و این دقیقاً دلیل آن است که ما هر سال جشن شکرگزاری محصول (Erntedank) را برگزار می‌کنیم.

بدون محصول، غذایی بر سفره نخواهد بود.

سپاسگزاری همچنین چشمان ما را به روی نیازهای دیگران باز می‌کند تا، همان‌گونه که در توضیح فرمان هفتم در «تعالیم کوچک» (کاتکیسم کوچک) آمده است، به آنان کمک کنیم تا زندگی و معاش خود را بهبود بخشند و از دارایی و غذای خود محافظت و مراقبت کنند. اما مهم‌تر از همه، سپاسگزاری به ما کمک می‌کند دل‌هایمان را به سوی خداوند و به سوی پسر او، عیسی مسیح، معطوف کنیم؛ عیسی، تأمین‌کننده و روزی‌رسان ما و نجات‌دهنده رحیم ما. آمین.

دعا می‌کنیم:

«ما از فیض تو زندگی می‌کنیم و هر آنچه داریم از توست! پس ما را برکت ده، ای خداوند! آمین.»

و صلح و آرامش خدا، همان صلحی که فرشتگان آن را می‌ستایند، دل‌ها و افکار شما را در مسیح عیسی برای زندگی جاودان حفظ کند. آمین.